

آدم و حوا ایرانی بودند

به باغ بهشت (باغ عدن) دست یافتند

گزارشی از «ژروسلم ری پورت» ۱ فوریه ۱۹۹۹

دو مایل دورتر از شهر صنعتی تبریز در ایران، به سوی شمال غربی تهران، باستان شناس انگلیسی «دیوید رُهل» باغ بهشتی را که در انجیل از آن یاد شده، پیدا نموده است.

«دیوید رُهل» پژوهشگر «کالج دانشگاهی» در لندن، می گوید: «در این نقطه هنگامی که از یک راه کوهستانی باریک به پایین سرازیر می شوید، یک دره ی زیبا در بلندی کوه، دقیقا مانند آن چه که در انجیل از آن یاد شده، می بینید. در دامنه رو به پایین این دره باغ هایی پر از درختان میوه های گوناگون است.»

«دیوید رُهل» به تازگی از سفر سومش به این منطقه که در آن دهکده هایی با خانه های خشت و گلی رو به آبادی گذاشته، بازگشته. واژه ی «گان» که در انجیل آمده (مانند «گان عدن») به معنی باغ است که دورادور آن را دیوار کشیده اند. «دیوید رُهل» می گوید: «به راستی این دره با کوه های سر به آسمان کشیده آن، مانند باغی است که دور آن را دیوار کشیده اند.» بلندترین این کوه ها، کوه سهند است که کوه آتشفشان خاموشی است که با برف پوشیده شده است.

«دیوید رُهل» می‌گوید: این کوه آتشفشان خاموش پوشیده از برف، همان «کوه خداوندی» است که اصقل پیامبر از آن سخن می‌گوید. او می‌گوید، خداوند بالای این کوه در میان زغال‌سنگ‌های داغ و سرخ‌رنگ جایگاه دارد. (انجیل - اصقل ۱۹-۱۱-۳۸)

رودخانه کوچکی از بالای کوهی آتشین که دقیقاً بازتاب گفته‌ی اصقل است در این منطقه به پایین روان است و به نام «اجی چای» نامیده می‌شود. (اجی چای در گفتگوهای محلی به معنی باغ حصار کشیده است.)

«دیوید رُهل» می‌گوید: «مردم محلی هنوز این کوه را مقدس می‌دارند و باور دارند که آب این رودخانه دارای قدرت جادویی است.»

چه شده که «دیوید رُهل» برای نخستین به این محل سفر کرده؟ انگیزه آن چند عامل بود.

یکی این که او در الواح گلیِ سومریِ کهن که در موزه خاورشناسی اسلامبول نگاهداری می‌شود درباره‌ی این محل مطلبی خوانده بود. عامل دیگر کارهای پژوهشگر فقید کم‌آوازه‌ی انگلیسی «رژینالد واکر» بود. الواح به دست آمده از جاده پنج‌هزار ساله سخن می‌گویند که به عدن می‌رود. «واکر» از پایان دهه‌ی ۱۹۸۰، از روی مدارک آکادمیک در جستجوی این محل بوده است. در اپریل ۱۹۹۷ «رُهل» کار بسیار چشمگیر خود را برای اثبات این موضوع انجام داد. او در این زمان از شهر جنوبی ایران، اهواز که در انتهای

شمالی خلیج فارس است، کار خود را آغاز نمود و تنها کسی که همراه او بود، راننده جیبی بود که او با خود داشت. آن چه در نوشتار آمده چنین است.

«دیوید رُهل» و راننده اش از اهواز به سوی کردستان سفر خود را آغاز نمودند، جایی که «رُهل» آن جا را عوارض زمینی بی قانون می نامد. او به سرنوشت پناه می برد تا از برخورد با گروه های جنگجویان غیرنظامی (پارتیزان ها) گوناگون، که در این ناحیه فعال هستند، در امان باشد.

«رُهل» به راهی گام نهاد که در رزمنامه ی (حماسه) سومری به نام «انِ مِرکار و خدای آرَت» به خط میخی ضبط شده است و برابر با آن پنج هزار سال پیش فرستاده (سفیر) رهبر دینی سومری در سرزمین «اوروک» از این راه گذر کرده بود. این فرستاده ی سومری به نزد «آرَت» در پهنشت عدن گسیل شده بود تا طلا و لاجورد، برای تزیین معبدی که بنا بود «انِ مِرکار» در اوروک بسازد، به دست آورد. سوری ها این سرزمین و پهنشت عدن را سرزمین شادی و فراوانی می شناختند. در رزمنامه به خط میخی آمده است که فرستاده ی وظیفه شناس، با پای پیاده، از ۷/گردنه زاگرس گذشته تا به پای کوه سهند، لبه جنوبی بهشت (عدن) که «رُهل» بدین نام نامیده است، برسد و پس از ۳ ماه راهپیمایی، به چیزهای ارزشمندی که در جستجویش بود دست یابد.

«رُهل» باور دارد سومری ها، بابلی ها و سوریه ای های کهن همه

فردوس زمینی را در پشت پرده‌ای از آنچه را که ۷/ بهشت (آسمانی) می‌نامیدند می‌شناختند. برای این مردمان عدن (بهشت!) یک جایگاه زمینی بود و تنها پس از آن‌ها بود که سنت‌های یهودیان و مسیحیان بهشت آسمانی را به مردم ارزانی داشتند.

باغی که در انجیل از آن یاد شده، سرچشمه چهار رودخانه‌ی دجله، فرات، جیهان و پیشان است. دجله و فرات، رودخانه‌هایی هستند که به روشنی آن‌ها را می‌شناسیم. دو رودخانه دیگر، به راستی در گذشته شناسایی آن مشکل بود ولی اکنون «رُهل» آن‌ها را شناخته و به ما شناسانده است. یکی از این دو رود «ارس» و دیگری «او ایژون» است. برابر نظریه «رُهل» سرچشمه این چهار رود در عدن قرار دارد. قابل توجه است «او ایژون» که «رُهل» از آن نام می‌برد همان پیشان است که در انجیل از آن نام برده شده و در انجیل با طلا مشخص شده و اکنون هم در محل به نام رود طلایی معروف است و از راه‌هایی پرپیچ و خم میان معادن قدیمی طلا و رگه‌های معادن لاجورد می‌گذرد.

«رُهل» برای تایید مطلبی که پیش آورده می‌گوید که او سرزمین «ناد» را که انجیل به نام شرق عدن نام برده، پیدا نموده. «ناد» تبعیدگاه «قاییل» پس از کشتن «هابیل» می‌باشد که امروز این منطقه را «نُقد» می‌گویند.

این موضوع به همین جا خاتمه پیدا نمی‌کند، زیرا چند کیلومتر دورتر از جنوب «ناد» در تارک گردنه کوهستانی، شهر خاموش «هل

آباد» قرار دارد. در گذشته این شهر به نام «خیرو آباد» نامیده می‌شد که اقامتگاه مردم «خرو» معنی می‌دهد. «رُهل» معتقد است که این واژه تحریفی از واژه عبری «کروویم» است و به کروبیان یا فرشتگان ترجمه می‌شود.

این مردمان جنگجویان خوفناک عشایری بودند که نشان رمزی آن‌ها عقاب یا شاهین بوده است.

اگر این نشانی‌ها بسنده نیست که توجه شما را به این نکته جلب کند به یافته‌ی دیگر «رُهل» نظر بیافکنید. او باور دارد که سرزمین کوش که در انجیل آمده آن‌گونه که پژوهشگران سده‌های پیش بیان داشته‌اند در مصر نیست. این سرزمین درست در شمال دره رودخانه «آجی چای» و بالای «کوشه داغ» یا کوهستان کوش قرار دارد که یکی از چهار رودخانه‌ای که در بالا از آن‌ها یاد کردیم از میان آن می‌گذرد. پژوهشگران امروزی اصرار دارند که داستان‌های آفرینش تنها افسانه بوده‌اند و باید به آن‌ها به عنوان صحنه‌های مجازی و کنایه‌ای یا رمزی نگاه کرد.

در کشف «رُهل» سعی می‌شود شروع تاریخ را تا آن‌جا به عقب ببرد تا به آغاز آفرینش برسد. «رُهل» می‌گوید: «از آن جایی که انجیل با وسواس زیاد و احتیاط ویژه‌ی‌های باغ عدن (بهشت) را و پیرامون آن را ثبت می‌کند، چرا ما نباید ارزش این توضیحات را بشناسیم.» او می‌گوید: «من تصور می‌کنم انجیل یک سند تاریخی مانند هرودت و یا کتاب رامسس دوم است.» او می‌افزاید:

ایران زمین

«تعجب آور است اگر این گونه نوشته‌ها را دور ببیندازیم و به آن توجه نکنیم، تنها به این سبب که جنبه دینی دارد. یک سنت، زمانی که با این قدرت از گذشته استنساخ می‌شود و یا به گفته دیگر گذشته را بازنمایی می‌نماید، باید از نظر جغرافیایی، سامان حقیقی داشته باشد.»

دکتر رُهل در بهار سال ۲۰۰۰ بنا بود به ایران برگردد ولی این بار با خدمه‌ای از بخش کانال دیسکآوری و بی‌بی‌سی و در آن جا به کاوش بپردازد. کتاب تازه‌ی او به نام «داستان پیدایش تمدن» به گونه‌ی مشروح کشفیاتش را ارائه خواهد داد.

از www.tlc.com

برگردان از انگلیسی - ایران زمین